



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۱۴ بهمن ۱۳۹۱  
مصادف با: ۲۱ ربیع الاول ۱۴۳۴  
جلسه: ۲۰

موضوع کلی: تحریف در قرآن  
موضوع جزئی: ادله عدم تحریف - روایات (حدیث ثقلین)  
سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در استدلال به روایات مبنی بر عدم تحریف در قرآن بود، عرض کردیم اولین روایتی که مورد استدلال قرار گرفته حدیث ثقلین است، در مورد استدلال به این حدیث دو وجه ذکر شده که وجه اول را در جلسه گذشته بیان کردیم.

### وجه دوم:

قول به تحریف مستلزم عدم امکان تمسک به کتاب است؛ یعنی می‌توانیم این وجه را در قالب یک قیاس استثنایی قرار دهیم به این نحو که اگر قرآن تحریف شده باشد امکان تمسک به کتاب نیست در حالی که امکان تمسک به کتاب الی یوم القیامة وجود دارد، نتیجه آنکه تحریف در قرآن راه ندارد، طبق آنچه در قیاس استثنایی جریان دارد، بطلان تالی، بطلان مقدم را نتیجه می‌دهد. این استدلال از دو مقدمه تشکیل شده است که باید ثابت شود.

**مقدمه اول:** مقدمه اول ملازمه بین قول به تحریف و عدم امکان تمسک به کتاب است، حال باید ببینیم چرا اگر ما قائل به تحریف قرآن شویم به عدم امکان تمسک به کتاب منجر می‌شود؟ این مطلب با دقت در خصوصیات قرآن و هدف از نزول قرآن ثابت می‌شود، با توجه به اینکه قرآن مشتمل بر همه امور مربوط به زندگی دنیوی و اخروی انسان است لذا شامل اخلاقیات، احکام، عقاید و نحوه زندگی انسان در این دنیا است تا به سعادت ابدی و اخروی برسد، پس از نظر محتوا این مطالب در قرآن وجود دارد که در بحث اعجاز قرآن به آن اشاره شده و هدف از نزول قرآن هم رهایی انسان از گمراهی و ضلالت و راهنمایی او به سوی هدایت و نور است، پس قرآن با این ویژگی‌ها به عنوان معجزه خالده پیامبر (ص) باید قابل تمسک باشد یعنی این خصوصیات طبعاً اقتضا می‌کند که تمسک به کتاب و استفاده از آن در همه شئون و ابعاد و زمینه‌ها است، حال اگر کسی ادعا کند این کتاب دچار تحریف شده لازمه این سخن عدم امکان تمسک به قرآن است چون این نقص یا زیاده در واقع قرآن را در جایگاه هدایت نسبت به همه امور و نور بودن نسبت به همه امور قرار نمی‌دهد، هدف از نزول قرآن این بوده که مردم در همه ابعاد و شئون هدایت شوند حال اگر قائل شویم قرآن تحریف شده یعنی ولو مقداری از قرآن کم شده باشد در واقع به این معناست که در بخشی از امور، مردم گمراه شوند. پس اگر ما قائل به تحریف قرآن شویم و بگوییم مقداری از قرآن ولو کم، تحریف شده و از قرآن کم شده معنایش این است که حداقل نسبت به آن امور هادی و نور بودن قرآن قابل پذیرش نخواهد بود، پس عدم امکان تمسک به قرآن مطلبی است که نتیجه قول به تحریف است.

**اشکال:** ممکن است به این مقدمه اشکال شود که اگر کسی قائل به تحریف شود لازمه‌اش عدم امکان تمسک به کل قرآن نیست بلکه این بیان، عدم امکان تمسک به بعضی از بخش‌های قرآن که تحریف شده را ثابت می‌کند؛ به عبارت دیگر این مقدمه اثبات می‌کند ملازمه بین قول به تحریف و عدم امکان تمسک به قرآن فی‌الجمله را چون بخشی از قرآن قابل تمسک نیست بنابراین کلیت این مقدمه محل اشکال است. پس قول به تحریف مستلزم عدم امکان تمسک به قرآن مطلقاً نیست بلکه مستلزم عدم امکان تمسک به کتاب در بعضی از بخش‌های قرآن است در حالی که ملازمه باید کلی باشد.

**پاسخ:** در پاسخ از این اشکال می‌گوییم: اولاً: طبق حدیث ثقلین، امکان تمسک به همه کتاب وجود دارد، یعنی حدیث ثقلین امکان تمسک به کتاب را بالجمله اثبات می‌کند که این در مقدمه دوم باید بحث شود. ثانیاً: بر فرض ملازمه بین قول به تحریف با عدم امکان تمسک به کتاب، فی‌الجمله باشد نه بالجمله باز هم لطمه‌ای به استدلال نمی‌زند، یعنی لازم نیست ملازمه بین قول به تحریف و عدم امکان تمسک به کتاب بالجمله باشد حتی اگر امکان تمسک فی‌الجمله هم از بین برود این مانع برای قول به تحریف است پس بر فرض که این اشکال را بپذیریم لطمه‌ای به اصل استدلال نمی‌زند.

**مقدمه دوم:** تمسک به کتاب ممکن است. در مقدمه دوم گفته شد لکن تمسک به کتاب ممکن است و سپس نتیجه گرفته شد که قول به تحریف باطل است. امکان تمسک به کتاب به حدیث ثقلین ثابت می‌شود، بر اساس این حدیث ما موظف هستیم به قرآن و سنت تمسک کنیم، اثبات این مطلب هم بر طبق دو احتمال موجود در این حدیث ممکن است.

#### **احتمال اول:**

طبق یک احتمال این جمله با اینکه جمله خبریه است اما در مقام امر وارد شده یعنی در واقع پیامبر (ص) ما را امر به تمسک به قرآن و سنت کرده است، امر در جایی ممکن است که قدرت باشد و به عبارت دیگر، قدرت شرط تکلیف است، اگر تمسک به کتاب مقدور و ممکن نبود امر به آن معنی نداشت، پس از نفس امر به تمسک به کتاب، امکان تمسک به کتاب را نتیجه می‌گیریم، البته این بنا بر این مبناست که قدرت شرط تکلیف باشد - مشهور، قدرت را شرط تکلیف می‌دانند - اما اگر قدرت شرط تکلیف نباشد این استدلال مخدوش می‌شود.

#### **احتمال دوم:**

احتمال دوم اینکه این بیان از طرف رسول خدا (ص) در مقام امر نیست بلکه صرف اخبار و یک جمله خبریه است به این بیان که اگر کسی به قرآن و سنت تمسک کند ضلالت و جهالت از او رفع می‌شود، آنگاه در این صورت که جمله مذکور یک جمله خبریه باشد دلالت آن بر امکان تمسک به کتاب مبتنی بر یک فهم عرفی و انسباق ذهنی عقلایی است، در محاورات عرفیه اگر چیزی امکان نداشته باشد جمله خبریه به صورت مشروط بیان نمی‌شود؛ مثلاً اگر امری ممکن نباشد در عرف هیچ وقت آن امر غیر ممکن را به عنوان منشأ ترتب اثر ذکر نمی‌کنند مثلاً عرف که می‌گوید اگر خانه خریدی فلان کار را انجام بده و اثری بر آن مترتب می‌کند، ترتب اثر بر خریدن خانه در ذهن عرف متوقف بر این است که آن امر ممکن باشد، چون اگر خریدن خانه ممکن نباشد نزد عرف تعلیق بر آن به عنوان شرط و ترتب اثر معنی ندارد، نفس این بیان در ذهن عرف این مطلب را القاء می‌کند که آن شرط

یک امر ممکن و مقدوری است، پس حتی اگر ما قائل شویم این جمله، جمله خبریه است و در مقام امر نیست باز هم این حدیث امکان تمسک به قرآن را اثبات می‌کند.

بعلاوه اگر امکان تمسک به قرآن نبود، قرآن نمی‌توانست به عنوان معجزه خالده پیامبر (ص) معرفی شود و کتاب هدایت الی یوم القیامة باشد. پس این کتاب به عنوان کتابی که امت را ارشاد می‌کند حتماً باید ممکن التمسک باشد و الا مرشد بودن کتاب معنی نخواهد داشت. پس مقدمه دوم یعنی امکان تمسک به قرآن، طبق حدیث ثقلین بنا بر هر دو احتمال، چه جمله خبریه در مقام اخبار و چه جمله خبریه در مقام انشاء ثابت می‌شود.

**نتیجه:** قول به تحریف قرآن باطل است.

همان گونه که ملاحظه کردید در این استدلال، مقدمه دوم مبتنی بر حدیث ثقلین است و الا مقدمه اول مبتنی بر این حدیث نیست. این دو وجهی که برای استدلال به حدیث ثقلین ذکر شده این گونه نیست که بدون معاضدت و بدون ضمیمه مقدمه دیگری بر عدم تحریف دلالت کند بلکه از این حدیث در ضمن مقدمات استدلال بر عدم تحریف قرآن استفاده شده و به همین جهت در زمره روایات قرار گرفته است و الا مثل بعضی روایات که دلالت بر عدم تحریف قرآن می‌کند نیست بلکه از این حدیث در ضمن یک استدلال بر عدم تحریف استفاده شده است.

نتیجه اینکه حدیث ثقلین بر عدم تحریف قرآن دلالت می‌کند یا به تقریب اول و یا به تقریب دوم به بیانی که گفته شد.

بر استدلال به این حدیث اشکالاتی وارد شده که لازم است مورد بررسی قرار گیرند.

#### **اشکال اول:**

اولین اشکال که متوجه مقدمه اول است این است که امکان تمسک به قرآن برای قرآن واقعی که نزد امام زمان (عج) موجود است ثابت است و لازم نیست این امکان برای همه بالفعل در زمان ما موجود باشد؛ به عبارت دیگر مستشکل می‌خواهد بگوید قول به تحریف مستلزم عدم تمسک به کتاب نیست، برای اینکه به حسب واقع امکان تمسک به قرآن موجود نزد امام زمان (عج) وجود دارد ولو اینکه عادتاً برای مردم عادی دسترسی به آن قرآن ممکن نباشد پس ما می‌توانیم در عین حال که قائل به تحریف قرآن باشیم بگوییم امکان تمسک به قرآن هم وجود دارد.

#### **پاسخ:**

بحث از امکان تمسک به قرآن امکان عقلی نیست تا این اشکال مطرح شود بلکه منظور امکان عادی و عرفی است و برای عموم مردم عادتاً امکان تمسک به قرآن موجود نزد امام زمان (عج) وجود ندارد لذا اینکه شما گفتید عقلاً امکان تمسک به آن قرآن وجود دارد مشکلی را حل نمی‌کند چون منظور از امکان تمسک، امکان عادی و عرفی است نه امکان عقلی. لذا این اشکال وارد نیست.

**بحث جلسه آینده:** بقیه اشکالات را انشاء الله در جلسه آینده ذکر خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»